

راهکارهای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم در قرآن بر اساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری

فاطمه گوشه‌نشین (نویسنده مسئول)^۱
ابراهیم نامداری^۲

چکیده

جان سرل، با بررسی ماهیت کنش‌ها، جملات کنشی را به پنج دسته تقسیم نمود: کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی، و کنش اعلامی. (مسئله) در این مقاله، با استفاده از روش مطالعه نظری و در نظر گرفتن طبقه بندی سرل، نگاه جدیدی به راهکارهای قرآن در مواجهه با تهدیدات جنگ نرم داشته و کنش گفتاری مورد استفاده قرآن را در مواجهه با تهدیدات جنگ نرم، در قالب روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده تا به این سوال‌ها پاسخ گوید که راهکارهای قرآن برای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم چیست و کدام یک از کنش‌های مذکور در قرآن بیشترین کاربرد را در این زمینه داشته است؟ (روش) یافته‌ها حاکی از آن است که درباره تهدیدات جنگ نرم، کنش ترغیبی و اظهاری، بیشترین تکرار را داشته است؛ زیرا هدف خداوند، بیان تهدیدات دشمنان در خصوص جنگ نرم و تشویق بندگان به مبارزه و مواجهه با این‌گونه تهدیدات است؛ (یافته‌ها) لذا از کنش‌های ترغیبی و اظهاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم استفاده می‌کند تا از این طریق، تأثیر عمیق‌تری بر جان و دل مخاطب ببخشد. (نتیجه) کلید واژه‌ها: قرآن کریم، جنگ نرم، نظریه کنش‌های گفتاری، جان سرل

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

fatemeh.gooshehnesi@pnu.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-1374-1436>

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران.

enamdari@abru.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-8435-6770>

۱. مقدمه

تاریخ تمدن بشری و زندگی انسان از آغازین روزهای سکونت، همواره با پدیده‌ای به نام جنگ همراه بوده است. اساساً وقتی سخن از جنگ می‌شود، ذهن انسان به جنگ سخت یا همان جنگ نظامی معطوف می‌گردد که در آن دو طرف با استفاده از روش‌های سخت مانند ابزارهای نظامی به مخاصمه می‌پردازند. اما جنگ منحصر به شیوه نظامی نیست؛ بلکه شاخه دیگری از آن نیز وجود دارد که چه بسا از جنگ سخت، پیچیده‌تر، خطرناک‌تر و در عین حال کم هزینه‌تر باشد و آن جنگ نرم است. می‌توان گفت که این شیوه جنگی، از دیرباز مورد استفاده قرار گرفته و همواره از سوی انسان‌ها به عنوان یک ساز و کار مؤثر مورد توجه بوده است. جنگ نرم کشاندن نبرد به حوزه باورها و عناصر ذهنی دخیل در تعیین رفتار فردی و اجتماعی است. در جنگ نرم با استفاده از روش‌های اقناعی انتقال پیام و تأثیرگذاری بر افراد، به جای اشغال و تصرف نظامی سرزمین، قلبها و اذهان آنها تسخیر می‌شود و سلطه مستقیم و بیرونی، جای خود را به سلطه نامحسوس می‌دهد (ساعد، ۱۳۹۰: ۶۱). به عبارت دیگر در این جنگ، جامعه هدف بدون آن که خود متوجه باشد، در مسیر خواسته‌های دشمن حرکت می‌کند و در نهایت به جایی می‌رسد که منافع دشمن را با اراده خود تأمین می‌نماید. بنابراین «تهدید نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتارهای نظام حاکم تعارض داشته باشد» (چونگ این مون، ۱۳۷۹: ۱۲۱). در نبردهای نرم، با این که از محیط‌های مختلف استفاده می‌شود، اما نهایتاً حوزه ذهنی و ادراکی است که هدف قرار می‌گیرد. «جنگ نرم به دنبال استحاله فرهنگی و هویتی است و موجودیت فیزیکی مخاطب حفظ، ولی از نظر هویتی تبدیل به یکی از ابزارهای دشمن می‌شود. جنگ نرم واقعیتی تاریخی است بدین معنی که در همه اعصار تاریخی وجود داشته است؛ به بیان دیگر، جزئی از ذات انسانی است که انسان‌ها به هنگام مبارزه بدان متوسل شده‌اند» (غلامرضایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵). هدف از نگارش این مقاله، آن است تا شیوه‌ها و راهکارهای قرآن کریم، برای مقابله با تهدیدات جنگ نرم را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و با تحلیل عوامل برون متنی، نوع اکنش‌های مورد استفاده کلام خداوند متعال را از دیدگاه نظریه کنش‌های گفتاری سرل بررسی کنیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

مقاله‌های زیادی بر پایه نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل نوشته شده که به بررسی و تحلیل متون مختلف می‌پردازند؛ اما پژوهشی که به بررسی راهکارهای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم در قرآن بر اساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری، پرداخته باشد توسط نویسندگان یافت نشد. منابع و پیشینه مرتبط با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و مگ ایران و موتور جستجوی تخصصی گوگل اسکالر و با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط در بازه زمانی حدود ۱۵ سال اخیر (سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰) انجام شده است. از جمله پژوهش‌های انجام شده می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد: مقاله «تحلیل متن‌شناسی خطبه شمشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری «سرل»، نوشته علی نجفی ایوکی؛ امیرحسین رسول نیا؛ علیرضا کاوه نوش آبادی، پاییز ۱۳۹۶، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال پنجم، شماره ۱۹. در این مقاله، نویسندگان به این نتیجه دست یافتند که کنش گفتاری اظهاری در این خطبه از بیشترین بسامد برخوردار است. مقاله «تحلیل خطبه ۵۲ نهج البلاغه براساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، نوشته فریده بجنوردی و حیدرعلی احمدزاده کلات، ۱۳۹۳، دوره نهم، نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی. در این مقاله به بررسی خطبه ۵۲ پرداخته شده است. از نظر بسامد؛ کاربرد کنش ترغیبی، بعد از کنش اظهاری، در رتبه دوم قرار گرفت. مقاله «بررسی جنگ نرم در آیات قرآن» از صمد عبداللّهی عابد و فاطمه وجدی، فصلنامه مطالعات تفسیری، ۱۳۹۲، سال چهارم شماره ۱۵، که به موضوع مقابله ظالمانی چون نمرود و فرعون بر پایه جنگ نرم با پیامبران الهی می‌پردازد؛ به نحوی که از روش‌های استهزاء و تحقیر مظاهر دینی در قالب شوخی، تفرقه افکنی به نام استقلال طلبی، پخش شایعات به نام روشنگری و تضعیف رهبری با تهمت زدن و تحقیر نمودن استفاده می‌کردند. نتیجه گیری این مقاله آن است که تمسک به تعالیم دینی و اطاعت از رهبران آسمانی، بصیرت، صبر و تقوا، راهکارهای قرآنی مقابله با نبرد روانی دشمن است. پایان نامه «اصول و شیوه‌های مقابله با جنگ نرم بر اساس صحیفه سجاده»، نوشته محمد اسدی، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، بهار ۱۳۹۶. نویسندگان در این پایان نامه، به این نتیجه دست یافته است که امام سجاد (ع) در قالب یک سلاح نرم، یعنی «دعا»، با توجه به اصول و ساحت‌های رویکرد اسلامی به قدرت نرم، به پالایش، ارتقاء و استحکام بخشی ارکان معرفتی دین اسلام پرداخته‌اند. پایان نامه «جنگ نرم و

راهکارهای مقابله با آن در قرآن و حدیث» نوشته ابوذر خیراندیش ۱۳۹۱ در رابطه با جنگ نرم وجود دارد که نویسنده به مفهوم شناسی جنگ نرم، روش‌های دشمن در جنگ نرم، راهکارهای مقابله با آن و آسیب شناسی جامعه در تقابل با آن از دیدگاه قرآن و حدیث پرداخته است. بنابراین در خصوص موضوع «راهکارهای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم در قرآن بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» تحقیق و پژوهشی یافت نشد.

۲-۱. ضرورت تحقیق

از آنجایی که استعمار ملت‌های در حال رشد برای قدرت‌های بزرگ جهان در صورت متوسل شدن به نیروهای نظامی، هزینه‌های هنگفتی به بار می‌آورد و از طرفی دیگر منجر به از دست دادن نیروی انسانی کشور متخاصم می‌گردد؛ لذا متوسل شدن به جنگ نرم و ایجاد اختلاف، هزینه کمتری دارد؛ از این رو می‌طلبند اندیشمندان مسلمان با تحلیل و بررسی اسالیب قرآن کریم، راهکارهای مقابله با این گونه تهدیدها را بیاموزند و از آن بهره ببرند. قرآن کریم به مثابه اساسی‌ترین تجلی‌گاه دین خاتم، در بردارنده تمام مسائلی است که در سعادت بشر نقش اساسی دارد؛ لذا در زمینه مواجهه با تهدیدات جنگ نرم مباحث بسیار کلیدی را مطرح نموده است که توجه به آن‌ها و عملیاتی کردن شان در سطح عمومی جامعه در کنار القای آن‌ها در روح و جان تک تک مسلمانان، جامعه اسلامی را در برابر تهدیدات نرم جبهه باطل تا حد بسیار زیادی مصون نگه خواهد داشت. از آن‌جا که تحلیل گفتمان بر پایه کنش یا کنش‌های گفتاری، منجر به کشف لایه‌های ناگفته و پنهان گوینده و در نتیجه تأثیرگذاری هر چه بیشتر سخن بر جان و دل مخاطب، می‌شود؛ لذا ضروری است که آیات وحی بر این اساس تحلیل و بررسی شوند تا ناگفته‌های متن بیش از پیش هویدا گردد.

۲. تحلیل گفتمان و نظریه کنش گفتار

نظریه کنش گفتار زیر مجموعه مفهوم تحلیل گفتمان است. بنابراین لازم است قبل از ورود به بحث به تحلیل گفتمان پرداخته شود. سابقه به کار بردن این واژه در برخی منابع به قرن چهارده میلادی می‌رسد که از واژه فرانسوی *discourse* و لاتین *discurs-us* به معنی گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰). کریستال معتقد است که «سخن (*discourse*)

اصطلاحی است که به قطعه‌ای پیوسته از زبان (مخصوصاً زبان گفتاری) اطلاق می‌شود که از جمله بزرگتر باشد.» (Crystal, 1991: 106) «سخن یک رشته پاره گفتار پیوسته است که یک یا چند گوینده آن را تولید کرده‌اند.» (Trask, 1993: 84)

ملاحظه می‌کنید که این افراد سخن را فرایندی ذهنی می‌دانند که خود را به صورت محصول نهایی متن نشان می‌دهند، لذا برای بررسی سخن که انتزاعی است، باید متن را مورد مطالعه قرار داد و با بررسی و تحلیل متن عوامل مؤثر در فرایند سخن و ویژگیهای خاص این فرایند را مطالعه کرد. (باغینی پور؛ ۱۳۷۵: ۱۶-۱۷)

هریس که برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ اصطلاح سخن کاوی را به کار برد، سخن کاوی را «روش‌ی برای (تحلیل گفتار پیوسته) و یا نوشتار پیوسته» می‌داند. (Harris, 1952: 1) و این به معنای «بسط زبانشناسی توصیفی به ورای محدوده جمله در یک زمان و در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان» است. (همان: ۲)

تحلیل گفتمان از مباحث مطرح در حوزه زبان‌شناسی است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی ظهور یافت و در رشته‌های مختلفی مانند انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی و... به کار گرفته شد. (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۷) ون دایک، در تعریف گفتمان، سه بُعد اصلی را در نظر می‌گیرد: الف) کاربرد زبان؛ ب) برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)؛ ج) تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۷). هدف اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بُعد اصلی است: چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل تأثیر می‌گذارد یا برعکس، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می‌کنند. در واقع می‌توان گفت که گفتمان، شکلی از کاربرد زبان است. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۲۷). در تحلیل گفتمان سعی می‌شود ناگفته‌های یک متن و معانی ناپیدا و زیرین گفتار مورد تحلیل قرار گیرد؛ زیرا در تحلیل متن، کشف آن ناگفته‌ها بیشتر مدنظر است. چون نویسنده به دلایلی از جمله ملاحظات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به صراحت آنها را بیان کند. این ناگفته‌ها را می‌توان به شیوه‌های مختلفی مثل بررسی واژگانی متن و معانی آنها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، از پیش‌انگاری‌های موجود در متن، ساختار جملات و مؤلفه‌های

نحوی آنها بررسی و کشف نمود. (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۴-۸۳) کنش گفتاری یکی از راه‌های کشف ناگفته‌های متن است. این نظریه ابتدا توسط آستین (Austin) مطرح شد. او آرای خود را در قالب سخنرانی و مصاحبه اعلام می‌کرد و در زمان حیاتش آثار کمی از وی چاپ شد. وی در آخرین سخنرانی‌هایش در هاروارد، کاربرد زبان را «کنش گفتار (کارگفت)» نامید. آستین بین جملات با معنا و جملات بی معنا تفاوت قایل شد. از دیدگاه او، جملات خبری معنادار هستند. وی با در نظر گرفتن دسته‌ای دیگر از جملات روزمره که نه بی معنا بودند و نه خبری، آن طبقه‌بندی را رد نمود. او این جملات معنادار را که خبری نبودند، جملات کنشی نامید. چون با توجه به شرایط، تولید این جملات به صورت انجام یک عمل قراردادی اجتماعی به کار می‌رود. جملات کنشی به جملاتی گفته می‌شود که تولیدشان با توجه به بافت و شرایط به عنوان یک عمل قراردادی اجتماعی محسوب می‌شوند. (پهلوان‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۷: ۳) به عنوان نمونه، کلماتی که هنگام عقد ازدواج دو نفر بیان می‌شود، باعث تغییر شرایط هر یک از زن و مرد می‌شود. در واقع، این واژه‌ها هستند که برای این دو نفر تعهد ایجاد می‌کند و به ازدواج اعتبار می‌بخشد و آن را از حالت غیر رسمی به رسمی بدل می‌نماید. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۲۹) آستین کنش‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: کنش بیانی، کنش تأثیری و کنش منظوری. منظور از کنش بیانی همان معنای تحت‌اللفظی هست که در فرهنگ لغات نیز بدان پرداخته شده است. کنش منظوری یا غیربیانی به قصد و نیت گوینده که به صراحت در جمله بیان نمی‌شود، اشاره دارد. کنش تأثیری یا کنش پس از بیان، نتیجه و پیامد گفتار است. به عبارت دیگر، واکنش مخاطب یا شنونده بر کنش غیربیانی را کنش تأثیری گویند. (همان: ۳۰)

شاگرد آستین، جان. آر. سرل، این نظریه را تا حد زیادی بسط داد و در برخی موارد نظر استادش بخصوص درباره کنش‌های گفتاری غیر مستقیم را نقد نمود. او معتقد است «برخی از کنش‌های گفتار هستند که کنش منظوری‌شان به طور غیر مستقیم و به واسطه کنش منظوری دیگری انجام می‌شود» (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۷)

سرل کنش گفتاری را به پنج دسته تقسیم کرده است:

۲-۱. کنش اظهاری

در این نوع کنش، گوینده باور خود را درباره درستی قضیه‌ای بیان می‌دارد و وقایع و پدیده‌های

جهان بیرون را توصیف می کند و می گوید که وقایع و امور در جهان بیرون چگونه هستند. نمونه بارز این دسته از کنش های گفتاری را می توان در پاره گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته ای تأکید می کنند یا به نتیجه گیری از نکته ای می پردازند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۷). چند نمونه از افعالی که دارای این نوع کنش هستند، عبارتند از: بیان کردن، گفتن، تکذیب کردن، تأیید کردن، شرح دادن، بحث کردن.

۲-۲. کنش ترغیبی

در این نوع کنش کاربر زبان، با استفاده از واژه ها، مخاطب را به انجام کاری و یا بازداشتن از آن کار، تشویق و ترغیب می نماید. به عبارت دیگر، کنش ترغیبی، سه مقوله «دستورها، درخواست ها و پیشنهادها» را شامل می گردد. نمونه بارز کنشهای ترغیبی را می توان در پرسش ها یا درخواست ها مشاهده کرد (همان جا). افعال کنشی ترغیبی شامل افعالی چون خواستن، دستور دادن، توصیه کردن، پند و اندرز دادن، دعوت کردن، سؤال کردن، معذرت خواهی کردن، شرط کردن، اجازه دادن، اطمینان دادن، روحیه دادن، و تشویق کردن هستند.

۲-۳. کنش عاطفی

احساس گوینده از طریق واژه های احساسی و عاطفی با بار مثبت و یا منفی همچون تبریک گفتن، تسلیت گفتن، مدح کردن، هجو نمودن، تأسف خوردن، تمجید کردن، تعجب کردن، سلام کردن، سپاسگزاری نمودن و جز آن بیان می گردد. در این دسته از کنشهای گفتاری، گوینده احساس خود را از طریق عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز آن بیان می دارد. (همان: ۱۷۸)

۲-۴. کنش تعهدی

این نوع کنش در بردارنده تعهدی برای انجام عملی در آینده است. نویسنده در این نوع کنش خود را متعهد می سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۱) افعال چنین کنشی عبارتند از: قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، داوطلب شدن و غیره.

۲-۵. کنش اعلامی

در این کنش، شرایط تازه‌ای اعلام می‌شود؛ به این معنا که همزمان با بیان آن شرایط، انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. البته صرف بیان شرایط تازه، به منزله انجام یک کنش اعلامی نیست، بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است. از جمله این که گوینده، صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد (پهلوان نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱). افعال کنش اعلامی شامل انتصاب کردن، آغاز کردن، پایان دادن، به کار گماردن، محکوم کردن و ... می‌باشد.

۳. جنگ نرم، اهداف و مؤلفه‌های آن

برای جنگ نرم (Soft war) اصطلاحات مختلفی وضع شده است. آنچه که تحت عنوان جنگ نرم مطرح می‌شود، در ادبیات غرب بیشتر به عنوان قدرت نرم (Soft power) شناخته شده است و زیربنای فکری آن، اولین بار در سال ۱۹۹۰ میلادی توسط «جوزف نای» به شکل علمی مطرح شد. «جوزف نای» با طرح مفهوم قدرت نرم، چشم انداز نوینی در مطالعات سیاسی امنیتی گشود که می‌توان از آن به نرم افزارگرایی در قدرت تعبیر نمود. طرح این مساله موجب تحولی اساسی در مفهوم قدرت گردید که نه تنها اهداف قدرت بلکه ابزارهای اعمال آن را نیز تحت تاثیر قرار داد. گشوده شدن این چشم انداز باعث تسری رویکرد نرم افزارگرایی در بخش‌های متفاوتی از دانش و عمل سیاسی گردید که نتیجه آن را در تولید مفاهیم تازه‌ای همچون تهدید نرم، امنیت نرم، استراتژی نرم، سیاست نرم و... شاهد هستیم. از جمله مفاهیم جدید این خانواده می‌توان به جنگ نرم اشاره داشت که در عین برخورداری از ملاحظات مفهومی نظری دارای حساسیت بالایی کاربردی نیز هست. از نظر «نای» قدرت نرم به معنای به دست آوردن نتایج دلخواه از طریق جذابیت در برابر توسل به قدرت نظامی است. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۹).

جان کالینز، نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را این گونه تعریف می‌کند: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود.» (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۷۸).

جنگ نرم با توجه به ماهیت و هویت آن، در سه بُعد اساسی جای می‌گیرد که عبارتند از: فرهنگی، اقتصادی، سیاسی. اولین و مهم‌ترین بُعد جنگ نرم، جنبه فرهنگی آن است. ارزش‌ها و هویت از جمله مؤلفه‌های فرهنگی هستند که فقدان یا مخدوش شدن آنها، تا حد زیادی می‌تواند

زمینه ساز تهدیدات نرم داخلی باشد. در کل هر اقدامی که منجر به تغییر در الگوهای رفتاری منطبق با ارزش های نظام حاکم شود، در ذیل جنگ نرم آن حوزه قرار می گیرد. «چالش های هویتی، که معطوف به امنیت اجتماعی یا هویتی نظام سیاسی می باشند، توانایی مردم در استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول خود با حفظ فرهنگ، زبان، مذهب، آداب و رسوم و ... را دچار خدشه می سازند» (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۹). دومین بُعد جنگ نرم، جنبه اقتصادی آن است. اقداماتی که به شکل فرایندی و در بستر زمان، فرهنگ حاکم بر اقتصاد را تغییر دهد مانند تغییر الگوهای مصرف، تولید و توزیع به گونه ای که مغایر مبانی ارزشی نظام مستقر باشد یا رسوخ نظریه های جدید اقتصادی و تأکید بر مصرف گرایی که در تضاد با هنجارهای پذیرفته شده نظام سیاسی از قبیل قناعت، ساده زیستی و غیره باشد، در زمره تهدیدات نرم حوزه اقتصاد محسوب می شود. سومین بُعد جنگ نرم، جنبه سیاسی آن است. عواملان جنگ نرم در صددند تا نوع نگرش، موضع گیری و کنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت و نهادهای سیاسی آن، دستکاری نمایند و آنان را برای اقدام به کنشهای اعتراض آمیز، مانند راهپیمایی، تظاهرات، اعتصاب و ... ترغیب کنند. به تعبیر روشن تر «عواملان جنگ نرم در صدد آن هستند که شهروندان یک جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت، یا حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر کند» (ساندرس، ۱۳۸۲: ۸۲).

۴. شیوه های مواجهه با تهدیدات جنگ نرم در قرآن

حال بعد از آشکار شدن ضرورت مواجهه با جنگ نرم و تبیین کنش گفتاری سرل، به راهکارهای قرآنی در این زمینه می پردازیم:

۴-۱. بصیرت

در برخی از آیات به نقش کلیدی بصیرت در مواجهه با فتنه های جنگ نرم دشمن اشاره شده و آن را یکی از راهکارهای مقابله با جنگ نرم بر شمرده است. بصیرت در اصطلاح به معنی روشن بینی، فهم و درک عمیق جهت تشخیص حق از باطل است. بصیر کسی است که بیاندیشد، حق را از باطل تشخیص دهد و خود را از فتنه ها برهاند. این معنای اصطلاحی چندان بیگانه با معنای لغوی نیست. منابع لغوی بصیرت را «عبرت و سپر» تعریف نموده اند (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۵/۴).

در قرآن پیامبران بزرگی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب از مصادیق صاحبان بصیرت شمرده شده‌اند: «وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ اُولٰٓئِذِى وَ الْاَبْصَارِ؛ وَ باز یاد کن از بندگان خاص ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب که همه (در انجام رسالت) صاحب اقتدار و بصیرت بودند» (ص/۴۵) در این آیه، خداوند متعال با استفاده از فعل امر «اَذْكُرْ» در قالب کنش ترغیبی پیامبران مذکور را از صاحبان بصیرت به شمار می‌آورد و بندگان را به داشتن این صفت حسنه تشویق می‌نماید. اهمیت بصیرت بدان پایه است که خداوند با استفاده از فعل امر «اَدْعُوا» در قالب کنش ترغیبی خطاب به پیامبر (ص) در دوران دشوار مکه می‌فرماید: «قُلْ هٰذِهِ سَبِيلِىْ اَدْعُوْا اِلٰى اللّٰهِ عَلٰى بَصِيْرَةٍ اَنَا وَ مَنْ اَتَّبَعَنِ...؛ بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم» (یوسف/۱۰۸) پیامبر اکرم (ص) از بصیرتی کامل در همه امور برخوردار بودند. یاران ایشان نیز تلاش می‌کردند با بصیرت به دفاع از پیامبر (ص) و تبلیغ دین اسلام بپردازند. امام علی (ع) در جنگ صفین مقابل کفار قرار نداشت، نیروی جبهه مقابل نماز می‌خواندند و ظواهر اسلام را رعایت می‌کردند. حقیقت بسیار مظلوم واقع شده بود؛ زیرا ظواهر شرعی جبهه کفر، مردم را سرگردان کرده بود و عده‌ای در جبهه حق به شک افتاده بودند که آیا می‌توان به روی برادران دینی خود در سپاه معاویه شمشیر کشید؟ هم علی (ع) و هم معاویه، هر دو نماز می‌خواندند و هر دو ادعای دفاع از اسلام را داشتند (منقری، ۱۳۸۶: ۴۴۰). و همین بصیرت بود که یاران امام علی (ع) را نجات داد.

همان‌گونه که از مطالب فوق بر می‌آید، بصیرت، در قالب کنش ترغیبی به مثابه راهکاری برای تشخیص حق از باطل است. می‌توان گفت بصیرت بینه و دلالتی است که به وسیله آن هر چیز آن طور که هست، دیده می‌شود. با این تفسیر از بصیرت، می‌توان آن را به عنوان راهبردی جدی و اساسی در مقابله با تهدیدات نرم جبهه باطل برشمرد. در واقع، اساس جنگ نرم بر مبنای تحریف حقایق، نفوذ، دروغ و شایعه‌پراکنی استوار می‌باشد؛ بنابراین بصیرت به مثابه بهترین آمادگی‌ها در برابر حملات نرم جبهه باطل است.

۴-۲. تقوا

اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین راهکاری که قرآن کریم برای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم ارائه کرده و مسلمانان را به آن فرا خوانده، راهبرد تقواست. حرکت در مسیر قوانین و دستورات الهی،

پابندی به حلال و حرام و پیمودن مسیر تقوا موجب حفظ انسان از تیررس جبهه باطل و واکنشینه شدن وی در برابر تهدیدات نرم آن می شود. راهبرد تقوا اساسی ترین مفهومی است که جایگاه ویژه‌ای در منظومه فکری اسلامی به خصوص در قرآن کریم دارد. به عنوان مثال در آیه: «... وَ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ و اگر شما صبر پیشه کنید و پرهیزکار باشید مکرر و عداوت آنان آسیبی به شما نرساند، که همانا خدا بر آنچه می کنید محیط و آگاه اس.» (آل عمران/۱۲۰) می توان آیه فوق را یکی از بارزترین و صریح ترین آیات در موضوع تأثیر تقوا دانست. خداوند در این آیه، با استفاده از شرط «صبر و تقوا» در قالب کنش ترغیبی صراحتاً بیان می کند که تقوا پیشگی مسلمانان موجب ایمنی آنان در برابر نیرنگ عناصر جبهه باطل می شود.

می توان گفت مقصود از واژه «کید» که در آیه مطرح شده است، به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نرم جبهه باطل می باشد که قرآن کریم تقوا را به عنوان سلاحی کارآمد و موثر در برابر آن مطرح نموده است. با توجه به گفته لغت شناسان، «کید» عبارت است از: تلاش حيله گرانه برای تخریب طرف مقابل، خدعه و مکر» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳۹/۳). همان طور که می دانیم، خدعه، مکر و تلاش حيله گرانه از اساسی ترین راهکارها و شاید به عبارتی دقیق تر مبنای جنگ نرم است. همچنین در پایان آیه، از حرف تأکید «إِنَّ» که کنش گفتاری غیر مستقیم است و جزء کنش های اظهاری محسوب می شود، استفاده شده و بیان می دارد که خداوند از تمام اعمال بندگان آگاه است. با توجه به این مطالب، نتیجه گرفته می شود که قرآن کریم با استفاد از کنش ترغیبی و همچنین اظهاری بیان می کند که تقوا راهبردی بسیار مفید در مقابله با تهدیدات جنگ نرم است.

۴-۳. صبر و استقامت

یکی دیگر از راههای مقابله با تهدیدات جنگ نرم از منظر قرآن کریم، صبر و مقاومت و ایستادگی بر عقاید صحیح است. نقطه هدف جبهه باطل در جنگ نرم، دور کردن اهل ایمان از حق و حقیقت و فتح سنگرهای ایمانی عناصر جبهه حق با ایجاد شبهات می باشد. پس راهکار جبهه حق در برابر این ساز و کار باید تلاش جهت حفظ تمامی عقاید حق باشد. «صبر باعث می شود که در فضای غبار آلود فتنه، توان و فرصت تفکر و اتخاذ تصمیم حکیمانه بوجود آید و فرصت قانع ساختن افراد ناآگاه توسط اندیشمندان فراهم شود؛ زیرا در شرایط التهاب و اضطراب، امکان

ارزیابی درست از اوضاع و تبیین مسائل وجود ندارد» (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

زمانی که حضرت موسی خواستار همراهی حضرت خضر (ع) می‌شود تا از دانش وی بهره‌مند گردد، حضرت خضر با استفاده از اسم استفهام «کیف» در قالب کنش ترغیبی، به حضرت موسی متذکر می‌شود که چگونه می‌تواند بر چیزی که احاطه علمی به اسرار آن ندارد، صبر کند: «وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا؛ و چگونه صبر توانی کرد بر چیزی که از علم آن آگاهی کامل نیافته‌ای؟» (کهف/۶۸) در این آیه، حضرت خضر به نوعی حضرت موسی را به کسب علم تشویق می‌نماید. در حقیقت، صبر ثمره آگاهی، دانایی و ایمان است. به این دلیل حضرت خضر به حضرت موسی اعلام می‌کند که تو هرگز بر چیزی که بر آن آگاهی نداری، نمی‌توانی صبر کنی و مقاومت نمایی: «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا؛ آن عالم پاسخ داد که تو هرگز نمی‌توانی که (تحمل اسرار کرده و) با من صبر پیشه کنی.» (کهف/۶۷) و این مطلب را با واژه «لن» در قالب کنش اظهاری تأیید می‌کند و می‌فرماید که تو هرگز نمی‌توانی بر چیزی که نسبت به آن جهل داری، صبر پیشه کنی. بنابراین، صبر و استقامت را می‌بایست در آگاهی و ایمان یافت. لذا خداوند در قالبهای کنش ترغیبی و اظهاری به مؤمنان فرمان می‌دهد تا برای مقابله با جنگ نرم دشمنان، خود را به سلاح دانش و ایمان مجهز کنند.

از آیات قرآن کریم استنباط می‌شود که انسان در سایه صبر و تحمل و مهارکردن نفس، توفیق پیشرفت در زمینه بندگی کسب می‌کند و بهتر به وظایف خود عمل می‌کند. آیات زیر بیانگر این حقیقت است: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ* وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ* وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ؛ در جهان از آن کس که (چون پیغمبران) خلق را به سوی خدا خواند و نیکوکار گردید و گفت که من از تسلیم شونده‌گان خدایم کدام کس بهتر و نیکو گفتارتر است؟ و هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست، همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است پاداش ده و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد. و لیکن به این مقام بلند (یعنی در پاداش بدی نیکی کردن) کسی نمی‌رسد جز آنان که (در راه دینداری) دارای مقام صبر و ثبات و (در معرفت الهی) صاحب حظّ بزرگند.» (فصلت/۳۳-۳۵)

خداوند در آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

با استفاده از اسم استفهام «مَنْ» در قالب کنش اظهاری بیان می کند که خوش گفتارترین افراد کسانی هستند که به سوی خدا دعوت می کنند و عمل شایسته به جا می آورند. همچنین در پایان این آیه، از حرف تأکید «إِنَّ» که کنش گفتاری غیر مستقیم است و جزء کنش های اظهاری محسوب می شود، بیان می کند که این دسته از افراد، از عمق دل می گویند که ما از تسلیم شدگانیم. خداوند در آیه «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» با استفاده از عبارت «لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ» و فعل امر «ادْفَعْ» در قالب کنش ترغیبی، این نکته را به پیامبر (ص) ابراز می دارد که نیکی با بدی یکسان نیست، و باید بدی های مردم را با بهترین عکس العمل دفع کرد. سپس با آوردن حرف «كَأَنَّ» که کنش گفتاری غیر مستقیم است و جزء کنش های اظهاری محسوب می شود، بیان می کند که اگر بدی را به بهترین روش دفع کند، مثلاً باطل را با حق براند و جهل را با حلم و بردباری دور کند و بدی آن ها را با عفو و گذشت تحمل کند، در این صورت است که ناگهان می بینید همان دشمن سرسخت آن چنان دست از دشمنی بر می دارد که مانند دوستی مشفق و مهربان می شود. خداوند در آیه «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» با استفاده از کنش اظهاری، «حظ عظیم» را نصیب صابران دانسته و در مقام تعظیم و مدح دفع به احسن می فرماید کسانی که صبورند و نیز آنهایی که بهره بزرگی از کمال انسانیت و صفات نیک دارند، این سفارش را می پذیرند. در واقع در این آیات، با استفاده از کنش های ترغیبی و اظهاری، فراخواندن مردم به سوی خدا و عمل شایسته و عفو و گذشت و بدی و زشتی را با نیکی پاسخ دادن، در گرو دارا بودن صبر و بهره مندی از ایمان کامل معرفی شده و این نشان از ارزش والای صبر در میان مجموعه معارف الهی دارد.

۴-۴. بیدار سازی

جبهه باطل با استفاده از ساز و کارهای وسیع و متنوع به جنگ نرم تمام عیاری با جبهه حق می پردازد و در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نمی کند. با توجه به این مطلب یکی از راهکارهایی که جبهه حق می تواند در مواجهه با این تهدیدات به آن توجه نماید و قرآن کریم نیز به آن اشاره نموده است، مسأله تشریح روشهای دشمنان در جنگ نرم و آگاهی بخشی به جبهه حق می باشد. بیان روش های بکارگرفته شده دشمنان در جنگ نرم مثل تکذیب، اتهام، افتراء، تمسخر تاثیر

فراوانی در نوع مواجهه با این جنگ روانی دشمنان دارد. خداوند متعال در قرآن، چندین مرتبه به پیامبر یادآور می‌شود که دشمنان در طول تاریخ از این اهرم‌های جنگ روانی برای رسیدن به اهداف خود بهره جسته‌اند. بنابراین لازم است مسلمانان در دام بازی و فریب دشمن نیفتند:

«قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ* وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ؛ ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. (دل شاد دار) که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند. و همانا پیغمبران پیش از تو را هم تکذیب کردند و آنها بر همه تکذیبها و اذیت‌های منکران صبر و تحمل کردند تا آن گاه که یاری ما شامل حال آنها شد. و (دل قوی دار که) هیچ کس کلمات خدا را تغییر نتواند داد و تحقیقاً اخبار پیغمبران پیش به تو رسیده است.» (انعام/۳۳-۳۴). رسول اکرم گاهی در متقاعد کردن مشرکان لجوج به دلیل سرسختی آنان و نسبت‌های ناروایی که به او می‌دادند، ناراحت و غمگین می‌شد. خداوند متعال در چنین مواقعی با آوردن حرف تحقیق «قد» و حرف تاکید «إن» در قالب کنش اظهاری، پیامبر را دلداری می‌دهد تا ایشان بتوانند با تلاش و استقامت بیشتر، اهداف خود را دنبال کند و به نتیجه برسند. از جمله در نخستین عبارات آیه فوق می‌فرماید: «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ» و سپس با آوردن حروف «إن» و «لکن» در قالب کنش اظهاری بیان می‌کند که آنها تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه در واقع آیات ما را انکار می‌کنند. بنابراین طرف آنها در حقیقت ما هستیم نه تو: «فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ» سپس با آوردن حرف «لقد» در قالب کنش اظهاری بیان می‌کند که این موضوع منحصر به تو نبوده است، بلکه رسولان پیش از تو نیز تکذیب شده‌اند: «لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ» در ادامه با استفاده از حرف «فاء» در کلمه «فصبروا» و حرف غایت و نتیجه «حتی» در قالب کنش ترغیبی، پیامبر (ص) را دعوت و تشویق به صبر نموده و نتیجه آن را - که همان پیروزی است - بیان می‌کند: «فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا» سرانجام با آوردن حرف «لقد» در قالب کنش اظهاری بیان می‌کند اخباری که از پیامبران پیشین به تو رسیده که آنان چگونه در برابر مخالفتها و سختی‌ها مقاومت کردند و پیروز شدند، گواه روشنی برای تو است: «لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ»

چنانچه از آیات فوق بر می‌آید، خداوند متعال با ذکر یکی از ابزارهای جنگ نرم علیه جبهه

باطل یعنی تکذیب انبیای الهی، در قالب کنشهای اظهاری و ترغیبی به پیامبر اسلام (ص) یادآوری می‌کند: اولاً این آزار و اذیت‌ها مخصوص ایشان نبوده و پیامبرانی قبل از ایشان نیز با این دسیسه روبرو بوده‌اند و ثانیاً به پیامبر بشارت می‌دهد که در صورت صبر و تحمل سختی‌ها و شدائد، نصرت پروردگار شامل حال آنان خواهد شد و این وعده خداوند قطعی و تخلف‌ناپذیر است.

۴-۵. اعلام بیزاری از دشمن

یکی دیگر از راهکارهای تأثیرگذار قرآن در عرصه مواجهه با تهدیدات جنگ نرم، تبری جستن و اظهار بیزاری از دشمنان است. در این راهکار علاوه بر مشخص شدن مرز میان جبهه حق و باطل، نکته ظریفی نیز نهفته است و آن اینکه با این کار، فضای روانی خاصی ایجاد می‌شود که موجب نوعی القای حقانیت در فضای جامعه است. در واقع با روشن کردن مرزها در فضای غبار آلود جنگ نرم به نوعی به جبهه مقابل القا می‌شود که در جبهه حق هیچ هراسی از تهدیدات جبهه باطل وجود نداشته و اساساً نیازی به قبول هدایت از جانب آنان احساس نمی‌شود. این آیه از سوره مبارکه یونس در صدد بیان این مطلب می‌باشد: «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ؛ و اگر تو را تکذیب کردند بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شما (هر کس جزای خود را خواهد یافت) شما بری از کردار من هستید و من بیزار از کردار شما.» (یونس/۴۱). خداوند با استفاده از حرف شرط «إِنْ» در قالب کنش اظهاری و فعل امر «فَقُلْ» در قالب کنش ترغیبی، شیوه جدیدی برای مبارزه به پیامبر (ص) تعلیم داده و می‌فرماید: اگر آنها تو را تکذیب کنند، به آنان بگو عمل من برای من و عمل شما برای خودتان باشد و شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید، و من هم از اعمال شما بیزارم. این اعلام بیزاری و بی‌اعتنایی که توأم با اعتماد و ایمان قاطع به مکتب خویش است، اثر روانی خاصی، به ویژه در منکران لجوج دارد، و این نکته را به آنان گوشزد می‌کند که هیچ اصراری بر پذیرش آنان وجود ندارد. سرباز زدن از پذیرش حق به ضرر خود آنان است و باعث محرومیت خودشان می‌شود. علامه طباطبایی فلسفه فرمان خداوند به پیامبر (ص) را چنین تبیین می‌کند: «در این آیه شریفه به رسول گرامی خود تلقین می‌کند که اگر تکذیب کردند از آنان بیزاری بجوید، و این خود یکی از مراتب انتصار و تأیید حق است از ناحیه کسی که برای احیای حق قیام نموده. بنابراین، طریقه احیای حق این شد که داعی به سوی حق مردم را بر قبول آن هدایت کند، اگر قبول کردند که هیچ،

و اگر قبول نکردند از آنان بیزاری بجوید؛ زیرا رضایت به کار دیگران انسان را شریک در پاداش و کیفر آنان می‌کند. این اعلام بیزاری که همراه با اعتماد و ایمان به مکتب خویشتن است، به منکران می‌فهماند که تسلیم نشدن آنان در برابر حق باعث محرومیت و ضرر خودشان می‌شود. و جمله «أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُوا وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» تفسیر جمله «لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ» است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۷/۱۰).

نظیر این تعبیر در آیات دیگر قرآن نیز آمده است، همانگونه که در سوره «کافرون» در قالب کنش اظهاری مشاهده می‌کنیم: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي؛ پس اینک دین (شرك و جهل) شما برای شما باشد و دین (توحید و خدا پرستی) من هم برای من (تا روزی که به امر حق شما را از شرك برگردانم و به راه توحید خدا و خدا پرستی هدایت کنم).» (کافرون/۶). از این بیان روشن می‌شود که محتوای آیات قرآن کریم در این خصوص، يك نوع مبارزه منطقی از طریق بی‌اعتنایی در برابر افراد لجوج و کینه‌توز بوده که در قالب کنشهای اظهاری و ترغیبی تجلی یافته است.

۴-۶. پرهیز از زودباوری

یکی دیگر از راهکارهایی که در حوزه مقابله با تهدیدات جنگ نرم تأثیر قابل توجهی دارد و در قرآن کریم نیز پیرامون آن سخن رفته است، مسأله تحقیق و تفحص از اخباری است که توسط منافقان در سطح جامعه پراکنده می‌شود. یکی از اساسی‌ترین سازوکارهای جنگ نرم، تکیه بر ابزار دروغ، شایعه، تهمت و مانند آن است که امنیت فکری مردم و جامعه را در سطح وسیعی دچار اخلال کرده و به دنبال آن مشروعیت نظام حاکم را در سطوح گوناگون به چالش می‌کشد. قرآن کریم در مقابله با این آسیب و ابزار جنگ نرم و به عبارتی بهتر جنگ روانی؛ مؤمنین را به نکته‌ای توجه می‌دهد که در صورت اهتمام آحاد افراد جامعه به آن، در سطح بسیار وسیعی از جامعه، امنیت فکری و خود ایمنی در برابر تهدیدات نرم ایجاد می‌شود. تحقیق و تفحص درباره اخبار منافقان و پرهیز از تصمیم‌گیری بر مبنای این اخبار، راهکار اساسی قرآن کریم در برابر جنگ روانی جبهه باطل علیه جبهه حق می‌باشد. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ای مؤمنان، هر گاه فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید، مبادا از روی نادانی به قومی رنجی رسانید و سخت از کار خود پشیمان گردید.» (حجرات/۶). در آیه فوق، آمدن فعل امر «تَبَيَّنُوا»

دلالت بر کنش ترغیبی داشته و مؤمنان را به تفحص درباره اخبار فاسقان دعوت می کند. سپس حرف «فاء» نتیجه بر سر فعل «فَتَصْبِحُوا» دلالت بر کنش اظهاری دارد و بیان می کند به همان اندازه که حجیت اخبار صحیح بر زندگی جمعی و فردی انسان ها تاثیر مثبت دارد، تکیه بر اخبار نادرست و شایعات باعث ناامنی فضای زندگی فردی و اجتماعی می شود، مشکلات فراوانی را در پی خواهد داشت، حیثیت و حقوق افراد را به خطر می اندازد، و به تعبیر آیه مذکور سرانجام مایه ندامت و پشیمانی خواهد بود.

نکته قابل توجه این است که جعل خبر بر پایه اخبار غیر موثق در طول تاریخ یکی از ابزارهای دشمنان بوده است که به وسیله آن مردم را فریب می دادند و امنیت و آرامش اجتماعی را برهم می زدند. بنابراین اگر مسلمانان به دستور الهی در آیه مذکور توجه کنند و اخبار دشمنان را بدون تحقیق و تفحص نپذیرند، از بلاهای بسیاری به دور خواهند ماند.

۴-۷. تحقیر و تهدید

در مقابله با عملیات روانی و جنگ نرم دشمن، بایستی روحیه نیروهای خودی را تقویت نمود؛ زیرا دشمن با تضعیف روحیه مسلمانان قصد دارد جامعه اسلامی را دچار تزلزل نماید. از این رو، خداوند متعال در قرآن کریم به مسلمانان گوشزد می کند که کفار در جنگ روانی علیه مسلمانان موفق نخواهند بود؛ زیرا این کار در گذشته نیز علیه سایر انبیا صورت گرفته است و با وجود اینکه آنان دهها برابر مشرکان و کفار صدر اسلام قدرت داشتند، با تکذیب پیامبران و تخریب شخصیت و متهم کردن آنان، کاری از پیش نبردند و نتوانستند از گرایش مردم به دین و معارف الهی جلوگیری کنند، پس اینها نیز حتماً شکست خورده و راه به جایی نخواهند برد. خداوند متعال می فرماید: «وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ؛ و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می رسند)» (سبأ/۴۵) این آیه در قالب کنش اظهاری بیان می کند که ما گردنکشان نیرومندی را در هم کوبیدیم که اینها جزء کوچکی از قدرت آنان را ندارند. سپس عذاب و عقوبت آنان را ابراز می دارد و در واقع با بیان این مطلب و با استفاده از اسم استفهام «کیف» در قالب کنش ترغیبی، روحیه مسلمانان را تقویت

می‌کند. خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ؛ آیا ندیدند پیش از ایشان چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم و حال آنکه در زمین به آنها قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده‌ایم؟ و از آسمان بر آنها باران (رحمت ظاهر و رحمت باطن که کتاب آسمانی است) پیوسته فرستادیم و نهرها در زمین جاری ساختیم، پس چون نافرمانی کردند آن‌ها را هلاک نمودیم و گروهی دیگر بعد از آنها پدید آوردیم.» (انعام/۶). در آیه فوق، خداوند با استفاده از حرف استفهام «أ» و آوردن عباراتی چون «كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ» و «فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ» و «أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» در قالب کنش ترغیبی خواسته تا روحیه مسلمانان را تقویت نماید. همچنین در آیه فوق، به غیر از حرف استفهام «أ»، با وجود آنکه از بقیه عبارات کنش‌های ترغیبی برداشت می‌شود، کنش‌های اظهاری نیز وجود دارد؛ زیرا سرگذشت اقوام گذشته را ابراز می‌دارد.

با توجه به آیات فوق، در می‌یابیم که خداوند متعال با استفاده از کنش‌های ترغیبی و اظهاری در پی تقویت روحی رزمندگان اسلام است، تا بتوانند با بیداری و آگاهی در برابر جنگ نرم دشمنان مبارزه نمایند.

۵. نتیجه‌گیری

جنگ نرم گونه‌ای از ستیز است که در آن بازیگر عامل، با استفاده از انواع ابزارهای انتقال پیام در فضای ذهنی - ارتباطی، تلاش می‌نماید تا مقولات انتزاعی و بنیادینی چون فرهنگ، هویت، اعتقادات و باورهای طرف مقابل را مورد هدف قرار دهد تا در نتیجه مبادی قدرت وی را متزلزل نموده و در راستای اهداف خود به پیش برد. قرآن کریم راهکارهایی را برای مقابله با تهدیدات جنگ نرم جبهه باطل علیه عناصر جبهه حق ارئه داده است. بصیرت، تقوا، صبر، بیدارسازی، اعلام بی‌زاری از دشمن، پرهیز از زودباوری، و تحقیر و تهدید را می‌توان از جمله این راهکارها دانست. با بررسی رابطه نوع کنش با جایگاه آن در کلام خداوند متعال در خصوص راهکارهای مقابله با تهدیدات جنگ نرم این نتیجه بدست آمد که در آیات مذکور، کنش ترغیبی و اظهاری بیشترین کاربرد را در این خصوص داشته است. در واقع، کنش ترغیبی و اظهاری بطور مستقیم و غیر مستقیم در آیات مورد نظر دیده می‌شود؛ زیرا وظیفه قرآن، هدایت و ترغیب مردم است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۹۰). جنگهای نرم: شناسایی عرصه های نوین دفاع، مندرج در جنگ نرم در عرصه دفاع ملی (ابعاد نظری و کاربردی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. باغینی پور، مجید (۱۳۷۵). نگاهی گذرا به جنبه‌هایی از سخن کاوی. مجله زبان شناسی، سال ۱۳، شماره ۲ و ۲۵ (پیاپی ۲۶)، ص ۱۴-۲۹
۵. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ لیلی اصطهبانی (۱۳۸۷). بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل. پژوهش‌های زبان‌های خارجی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۱، پاییز و زمستان، شماره مسلسل ۲۰۸، ص ۱-۲۴
۶. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ مهدی رجب زاده (۱۳۸۹). تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار. مجله مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۲، پائیز و زمستان، ص ۳۷-۵۴
۷. چپمن، شیوان (۱۳۸۴). از فلسفه به زبان‌شناسی. ترجمه حسین صافی، تهران: گام نو
۸. چونگ این مون، ادوار اذر (۱۳۷۹). امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه ناشر، ذر تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۹. ساعد، نادر (۱۳۹۰). جنگ نرم و نظام حقوقی بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۰. ساندرس، فرانسیس (۱۳۸۲). جنگ سرد فرهنگی، ترجمه ناشر، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی
۱۱. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۸). موج فتنه، تهران: نشر کانون اندیشه جوان
۱۲. صفوی، کورش (۱۳۸۳). درآمدی بر معناشناسی، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه
۱۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران:

- کتابفروشی مرتضوی.
۱۵. عبداللهی عابد، صمد و فاطمه وجدی (۱۳۹۲). بررسی جنگ نرم در آیات قرآن. فصلنامه مطالعات تفسیری، سال چهارم شماره ۱۵، ص ۱۴۰-۱۱۷
۱۶. غلامرضایی، علی اصغر؛ داود نعمتی انارکی (۱۳۹۴). رسانه و جنگ نرم رویکردی فعال، تهران، انتشارات دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
۷۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز و مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها
۱۸. فضائلی، سیده مریم؛ محمد نگارش (۱۳۹۰). تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه بندی سرل از کنشهای گفتاری. مجله مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۳، بهار و تابستان، ص ۱۱۸-۸۱
۱۹. کالینز، جان. ام (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
۲۰. ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۱. مک دانل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان، ترجمه حسینعلی نوزری، تهران: نشر فرهنگ گفتمان
۲۲. منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۸۶). وقعة صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
۲۳. ون دایک، لئون. ای (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
24. Crystal, d. (1991). Glossary, In International encyclopedia of linguistics. New York: oxford university press, vol 4.
25. Harris, z. (1952). Discourse analysis, in language. Washington: linguistic Society of America, vol 28.
26. Trask, R. L. (1993). A dictionary of grammatical terms in linguistics. London and New York: Routledge.